

## نگاه دکتر علیرضا یلدا

# جنس بلور



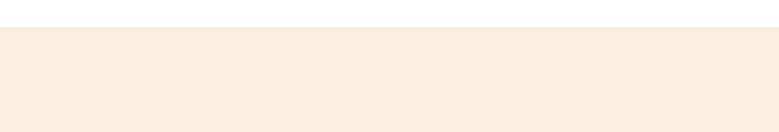
افکار شیطانی و باورهای نادرست هستیم.

من در تمام ۶۰ سال زندگی حرفه‌ای‌ام هیچ‌وقت مطب شخصی نداشتم، به همین دلیل که دوست نداشتم رابطه مالی بین من و بیمارهایم به‌وجود بیاید حتی بیمارستان خصوصی هم نمی‌رفتم، حتی اگر شرایط خاصی پیش می‌آمدو به‌اجبار به‌این بیمارستان

هامی‌رفتم سعی می‌کردم،حق‌ویزیت کمتری بگیرم.

من فقط ۹ ماه مطب شخصی داشتم ،خاطرهم هست یک‌شب خانمی که فرزندش به‌شدت تب‌داشت به مطب آمد که خیلی آشفته و مضطرب بود، من به‌جا ر ویزیت‌کردم وورفتند.

همان شب قرار بود با همسر من سینما برویم. من در تمام مدت فکرم درگیر این موضوع بود که آیا این کار،



- **من اگر بخواهم تجربه ۸۵ سال زندگی‌ام را خلاصه کنم یک جمله است .اینکه باید شادبود و لازم‌ه شادبودن محبت کردن است.**
- بی‌دریغ محبت کنید چه اشکالی دارد، یک دکتر به بیمارانش با یک لیخند، باروی گشاده و مهربان، محبت کند. این‌ها هیچ هزینه‌ای ندارد و با هیچ پولی هم قابل خرید و فروش نیست ،ولی تأثیری که در رابطه بیمار و دکتر دارد بی‌نظیر است.**
- **معنویت و احترام را به خاطر نفس خودشان رعایت کنید و محترم بدانید، نه اینکه به دنبال تأیید مردم باشید. اینکه من محبت کنم که مردم بگویند یلدا آدم خوبی است ،خیلی بی‌ارزش است.**
- **هر فردی باید تلاش کند خودش را اصلاح کند، اگر هرکسی برنامه‌اش این باشد که باید خدمتی کندو دل کسی را شاد کند، در درجه اول خودش شاد می‌شود.**

ولی من تمام آن‌را به‌دوستان قرض دادم واصلاً متوجه نشدم این پول را چگونه خرج کردم، چون هیچ‌وقت در قیدوبند مادیات نبودم و البته بعدها لطف خدا بود که همسرهم همراه وهم عقیده من بودو واقعا ازدواج من لطف خدایبود که توانستم در آرامش زندگی کنم و به‌درس و تحقیقاتم بپردازم.

●**آقای دکتر بزرگ ترین دستاورد زندگی خود را چه‌می‌دانید؟**

من اگر بخواهم تجربه ۸۵ سال زندگی‌ام را خلاصه کنم یک جمله است ،اینکه باید شادبود و لازم‌ه شادبودن محبت کردن‌است.

محبت کردن هزینه‌ای ندارد ،ولی تأثیر عمیقی دارد. معنویت انسان‌ها را به هم نزدیک می‌کند و مادیات بین آن‌ها فاصله ایجادمی‌کند.با پول نمی‌توان محبت و شادی را خرید، خیلی چیزها را نمی‌توان با پول و مادیات خرید.

پس بی‌دریغ محبت کنید،چه اشکالی دارد، یک دکتر به بیمارانش با یک لیخند، باروی گشاده و مهربان، محبت کند. این‌ها هیچ هزینه‌ای ندارد و با هیچ پولی هم قابل خرید و فروش نیست،ولی تأثیری که در رابطه بیمار و دکتر دارد بی‌نظیر است.

هیچ‌وقت فراموش نکنید، دشمن اصلی محبت کردن توقع داشتن است، پس بی‌توقع و چشم‌داشت محبت کنید

انتظاری از دنیا و مردم نداشته‌باشید. دنیا در معنی لغوی هم یعنی پست، پس به این دنیای بی‌ارزش خیلی دل‌بست‌نشودید.

معنویت و احترام را به خاطر نفس خودشان رعایت کنید و محترم بدانید، نه اینکه به دنبال تأیید مردم باشید.

اینکه من محبت کنم تا مردم بگویند، یلدا آدم خوبی است ،خیلی بی‌ارزش است، من اگر بتوانم از مصمیم قلب و بی‌هیچ چشم‌دانشی محبت کنم، ارزش دارد وگرنه همان نگاه معامله‌ای می‌شود که گفتم. پس هیچ‌وقت با احساس‌تان و با محبت کردن به هم معامله نکنید.تأثیری که یک لیخند و توجه پزشک می‌تواند داشته‌باشد، با هیچ‌دارویی قابل مقایسه نیست، پس به بیمارانتان بی‌دریغ لیخندبزنید.

●**آقای دکتر وضعیت کنونی دانشگاه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

درس خواندن در دانشکده پزشکی در زمان ما خیلی مشکل بود. بر خلاف امروز که دانشجویان این همه امکانات دارند، ما حتی کتاب‌فروشی نداشتم و مجبور بودیم از کتابخانه استفاده کنیم. مثلاً اگر یک کتاب فیزیولوژی می‌خواستیم، باید زودتر از دیگران برای خرید آن مراجعه می‌کردیم. آن روزها چون کتاب زیادی در دسترس نبود، اکثر دانشجویان در کلاس حضور داشتند و جزوه می‌نوشتند.

شرایط امروز واقعاً متفاوت است. هم شرایط دانشجویان تغییر کرده‌هم استادها... بعضی‌از اساتید آن روزها و امروز نمی‌توان اساتید گذشته و حال را باهم مقایسه کرد. ولی یک نکته خیلی مهمی که باید به آن توجه کرد، مسئله اساتید دانشکده‌های پزشکی است. واقعیت این است که درس‌هایی که یک استاد باید بلداندر ا به‌وی آموزش نداده‌اند، یک نفر صرفاً به خاطر سوادخوش، استادمی‌شود، بلکه باید فرهنگ استاد بودن و ارتباط برقرار کردن با دانشجویان را نیز دارا باشد. امروز زبان‌سخن گفتن و نحوه‌ار تباطر برقرار کردن با گذشته متفاوت شده‌است. همیشه با خودم فکر می‌کنم که اگر فرزند خودم سر کلاس باشد و خودم چیزی یادنگیرد، چه‌حسی پیدا می‌کنم، پس این بچه‌ها هم که سر کلاس می‌آیند باید به آنها مطالب جدید و مفید آموخت.

البته باید ببپذیریم که همه نمی‌توانند خوب بنویسند. عدل‌ای خوش قلم بوده و خوب می‌نویسند و برخی دیگر بیان خوبی دارند. ما نباید انسان‌ها را مثل هم تربیت کنیم، مهم این است از هر کدام از انسان‌ها براساس توانی‌هایشان استفاده کنیم. بایداستعدادهای افراد مختلف را کشف کرد و پرورش داد.

●**یک استاد خوب به نظر شما چه خصوصیتی دارد؟**

استادی که خوب باشد، نه تنها درس را خوب یاد می‌دهد، بلکه زندگی کردن، آداب زندگی و معنای آن را به دانشجویان می‌آموزد. به‌شاگردانش یادمی‌دهد که موفقیت اصلی، موفقیت معنوی و روانی است، نه موفقیت اجتماعی که مترادف پولدار شدن است. منظور من این نیست که مادیات ارزش ندارد، ولی تمام

زندگی مادیات نیست، چه بسا وضع مادی بسیاری از انسان‌ها خوب است، ولی زندگی خوبی ندارند. امروزه سازمان بهداشت جهانی، علاوه بر سلامت جسم و روح، معنویت را هم برای سلامت جامعه لازم می‌داند.

اگر چه عوامل متعددی از قبیل خانواده، مدرسه، محل زندگی، دوستان و این‌واخرا نواع رسانه‌ها در پرورش انسان‌ها دخالت دارند، اما اساتید اگر از هر جهت، مخصوصاً از جهت معنوی خودشان را اصلاح کنند و آن را اعمال ثابت کنند، دانشجویان تحت تأثیر قرار می‌گیرند، چون رفتار انسان خیلی مؤثر است. باید رابطه مؤثر برقرار کرد... هسته اصلی معنویت، ایجاد رابطه صحیح است. باید این احساس را داشته‌باشیم که این‌ها فرزندان ما هستند...

همیشه سعی می‌کنم که با درس دادن و بیان مسائل علمی، خودم رضایت پیداکنم، طوری صحبت‌کنم‌که آنها استفاده کنند، همان‌طور که دیگران نیز می‌گویند، وقتی حرف می‌زنید، مطمئن شوید که مستمع شما حرفتان را درک کرده باشد. باید به قدرت گیرندگی دانشجو ولزوم بیان آن مطلب، توجه کرد.

هر فردی باید تلاش کند، خودش را اصلاح کند. اگر هرکسی برنامه‌اش این باشد که باید خدمتی کندو دل کسی را شاد کند، در درجه اول خودش شادمی‌شود.

من به این جوان‌ها امیدوار هستم. باید خودمان را با خودمان مقایسه کنیم و بین المللی فکر کنیم، ملعی عمل کنیم و امکانات و شرایطمان را بسنجیم. مدیر خوب کسی است که از امکانات موجود بهترین استفاده را کند. یکی از دستورات دینی ما این است که همیشه به چیزهایی که داریم، فکر کنیم و اگر به چیزهایی که نداریم، فکر کنیم، دچار پانس و ناامیدی می‌شویم. البته این به آن معنا نیست که آرزو و هدف و ایده‌ای نداشته‌باشیم. باید واقعا کشورمان را دوست داشته‌باشیم و فقط حرفش را نزنیم.

حکایتی هست که من خیلی دوستش دارم و به‌نظرم حرف اول و آخر رامی‌زند.

... روزی قرار بود که ابوسعید ابوالخیر، برای مردمی که در مسجد گردآمده بودند، سخنرانی کند. ازدحام جمعیت به حدی رسید که دیگر جای نشستن نبود. مردی بالای منبر رفت و گفت: خدا پدرش را بیامرزد کسی را که از آنجایی که هست گامی فراتر نهد. مردم بلند شدند و جلو و جلوتر رفتند و برای دیگران جا باز شد. ابوسعید ابوالخیر بالای منبر رفت و گفت: آنچه اولیاء و ائبنیاء می‌خواستند بگویند و آنچه ما می‌خواستیم امروز بگوییم، این برادر ما گفت. خدا پدرش را بیامرزد کسی را که از آنجایی که هست گامی فراتر نهد...

اگر این فرهنگ جا بیفتد و از آنجایی که هستیم، هر روز گامی فراتر بگذاریم، با وضوح‌ما خوب‌می‌شود هرکسی به سهم خودش باید برای این مسأله تلاش کند...

### جوایز پر شمار

پژوهش‌های برجسته در بیماری‌های عفونی، توانایی‌های آموزشی و رفتارهای شایسته اخلاقی و انسانی نسبت به بیماران، همکاران، کارکنان کادر پزشکی و شاگردانش از پروفوسور یلدا، استاد ی بی‌بدیل و نمونه‌ای از دانش، اخلاق و انسانیت ساخت.

تاکنون به‌استاد پروفوسور یلدا بیش از ۲۰ جایزه علمی به‌موجب خدمات برجسته و شاخص آموزشی و پژوهشی اعطا شده است. وی نخستین پزشکی و استاد ایرانی است که نشان علمی «چهره‌های ماندگار» به ایشان اعطا شده است.

پروفوسور یلدا به‌حق اسناد استادان و پدر دانش بیماری‌های عفونی ایران لقب گرفته و بنیادی علمی بانام وی ثبت گردیده‌است. استاد یلدا عضو دائمی هیئت میززه استادان دانشگاه برای ارتقای اعضای کادر هیئت علمی و آموزشی دانشگاه و عضو شورای علمی بیش از ۲۰ مجله معتبر پزشکی است. به علاوه از چند دهه پیش تاکنون به‌عنوان عضو برجسته شورای علمی، مشاورین و داروان نشریات کهن و معتبر پزشکی ایران چون مجله دانشکده پزشکی تهران و مجله نظام پزشکی ایران منشأ خدمات شایان توجه‌ای بوده‌است.

استاد یلدا به سبب ویژگی‌های علمی و اخلاقی و انسانی، پس از تأسیس فرهنگستان علوم پزشکی، به‌عنوان عضو پیوسته این فرهنگستان انتخاب شد.■

### در حاشیه

**نگاهی به جایزه بنیاد جهانی پرفسور یلدا**

## نوبل ایرانی

هم‌زمان با تحولات علمی و اهمیتی که موضوع اهدا جوایز معتبر در یک قرن گذشته پیدا کرده، جوایز متعدد علمی از سوی بنیادهای علمی و تحقیقاتی سراسر جهان تعریف و اعطا می‌شود که این جایزه‌ها و تقدیرها بر انگیزه محققان و دانشمندان به‌ویژه چهره‌های جوان برای ادامه کار با جدیت بیشتر می‌افزاید. در ایران نیز چندسالی است اهدا جوایز در قالب مراسم‌های متعدد یادبود و بزرگداشت بر گزار می‌شود و از چهره‌های بر تر در حوزه‌های مختلف تقدیر می‌شود.

شش سال پیش گروهی از دانشجویان سابق دکتر یلدا که خودشان از پزشکان حاذاق ایرانی مقیم آلمان هستند، تصمیم می‌گیرند بابت گزار می‌راسعی ،علاوه بر پاسداشت مقام علمی استاد یلدا، تقدیر و تشکری هم از پزشکان موفق در حوزه‌های مختلف انجام دهند.

جوایز بنیاد آکادمیک جهانی پروفوسور یلدا به چهره‌های برجسته اعطا می‌شود که به عقیده کارشناسان هم‌زمان با بر گزار می‌ره چه باشکو‌تر آن مراسم، به‌تدریج به شاخصی علمی در کشور تبدیل شده تا آنجا که بسیاری از کارشناسان آن را نوبل ایرانی می‌دانند.

اما این نوبل ایرانی حالا با گذشت شش سال از عمرش با چالش‌های زیادی روبروست و با این حال انتقاداتی را نیز می‌توان نسبت به آن وارد دانست. درحالی‌که تبلیغات در خور و گسترده‌ای برای معرفی این جایزه و آگاه‌سازی عموم جامعه از آن صورت نگرفته، نبود اطلاعات کافی و مستند درباره این بنیاد و جوایزی که توسط آن به چهره‌های برگزیده اعطا می‌شود، از نکات تأمل برانگیز آن به شمار می‌آید. تقریباً هیچ‌گونه اطلاعاتی درباره تاریخچه جایزه پروفوسور یلدا و حتی یک پایگاه ساده اینترنتی برای اطلاع‌رسانی وجود ندارد. به‌طورقطع جایزه‌ای که بسیاری آن را معادل نوبل جهانی در ایران می‌دانند به تقویت زیر ساخت لازم در بخش بر گزار می‌ و اطلاع‌رسانی نیاز دارد.

دکتر رنجبر یکی از بنیان‌گذاران این کنگره و رئیس بنیاد علمی پژوهشی دکتر یلداست، در این زمینه می‌گوید: «متداول این است جوایزی که به افراد تعلق می‌گیرد، بر اساس پرسستیژ است، اما نظریه‌بنیاد بر این است که در کنار این مسائل باید از فعالیت‌های بزرگان در عرصه دانش پزشکی قدر دانی صورت بگیرد. اگر یک جایزه بین‌المللی در نظر می‌گیریم تنها به خاطر پرسستیژ آن نیست بلکه قدر دانی از این عزیزان در سطح جهانی برای این است که آنها در عرصه دانش و همچنین سلامت جامعه کو‌شا هستند و تلاش فداکارانه‌ای می‌کنند».

دکتر رنجبر در ادامه افزود: «ساختار جایزه بنیاد علمی جهانی پرفسور یلدا بر این اساس گذاشته شده است که برگزیدگان باید علاوه بر اینکه دارای توانایی علمی در سال‌های طولانی باشند و همین‌طور استانداردهای بین‌المللی را نیز حفظ کرده باشند، باید اخلاق و عشق به درمان بیماران هم بر ایشان در اولویت باشد».

وی از جمله عوامل مؤثر بر انتخاب برگزیدگان را انجام کارهای تحقیقاتی در سطوح پایه و بالینی، نظر ات روسای گروه‌های دانشکده‌ها، نظرات استادان هر یک از گروه‌های مرتبط، فرم‌های ارزیابی استادان که توسط دانشجویان آنها تکمیل شده، کاربردی بودن تحقیقات و اختراعات و ... بر شمرد و گفت: «قبلا رده «فرهنگ و هنر» در جایزه وجود نداشت که امسال به دلیل آن‌که پزشکان زیادی دارای فعالیت‌های فرهنگی و هنری اثر گذار بوده‌اند، این رده نیز اضافه شد.»

وی هم‌چنین گفت: «همواره در اعطای جوایز و انتخاب برگزیدگان تأکید داشتیم که از انتخاب آثار و اختراعات تکراری که پیش‌تر جزو برندگان جشنواره‌های علمی و فناوری بوده‌اند، خودداری کنیم و فرضی برای نوآوران گمنام‌تر و استادان برجسته، اما ناشناخته‌و در عین‌حال دارای منشأ اثر در پزشکی و حیطه‌های مختلف آن بوده‌اند. فراهم کرده‌باشیم. از همان ابتدای پایه گذاری بنیاد، بر عدم اعطای جایزه مالی و حفظ جایگاه معنوی جایزه نیز تأکید داشتیم.»

جایزه برگزیدگان، شامل تندیس منقش به‌تصویر استاد یلدا، لوح تقدیر دانشگاه علوم پزشکی تهران و سکه منقش به آرم دانشگاه است.

رده‌های برگزیدگان بنیاد علمی جهانی پروفوسور یلدا بر این اساس است.

رده اول برگزیدگان: دانشمندان جوان،

رده دوم: کسانی که در حیطه نوآوری در دانش پزشکی تلاش می‌کنند و کارهای خوبی رادر سطح جهان انجام داده‌اند.

رده سوم: افرادی که در حیطه پزشکی مسئولیت‌پذیر هستند.

رده چهارم: استادان برجسته و برتر ا شامل می‌شود.

رده پنجم مربوط به استادانی است که در زمینه فرهنگ و هنر در عرصه دانش پزشکی فعال بوده‌اند.

حالا با گذشت چندین دوره از برپایی این همایش می‌توان امیدوار بود با حمایت‌های بیشتر به بار علمی و اعتبار جهانی این کنگره افزوده شود. ابتکار زبیا و ارزشمندی که به‌طور داوطلبانه و با صرف هزینه‌های شخصی برای بزرگداشت مقام استادی برگزار می‌شود، قطعاً شایسته تقدیر حمایت و پشتیبانی بیشتری است. تا مروج و مشوقی باشد برای تمام کسانی که عاشقانه و صادقانه دل در گرو خدمت به مردم دارند و عمری را با کمترین امکانات در کار تحقیق و پژوهش می‌گذرانند.
تابه حال چهار دوره از این همایش برگزار شده‌است و از چهره‌های شاخصی تقدیر شده‌است ..

مدال افتخار چهارمین جایزه بنیاد جهانی پروفوسور یلدا به «استادان بزرگ و پیشکسوت پزشکی» شامل دکتر پرویز مسعودی (جراح قلب مقیم آلمان)، دکتر غلامعلی تازی وردیان (متخصص ژنتیک انسانی مقیم آلمان)، دکتر سیادت پور (جراح دست مقیم آلمان)، دکتر ناصر کمالیان (پاتولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر محمود متین (ژنیکولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی) دکتر مرویچ آل بویه(هماتولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، مرحومه دکتر پروانه ونوق (هماتولوژیست، موسسه محک)، دکتر سیدحسین هاشمی (چشم‌پزشک، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر علیرضا مصداقی نیا(گروه بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر محبوب لسان پزشکی (نفرولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر ابرح فاضل (جراح عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی)، دکتر علی ملک حسینی ( جراح کبد، دانشگاه علوم پزشکی شیراز)، دکتر محمدرضا زرین دست ( فارماکولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر ضیاءالدین تابعی(اخلاق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز) و دکتر حسن تاجبخش (دامپزشک، دانشگاه تهران) اهدا شد.

همچنین چهار تن از پزشکان شامل دکتر منوچهر فارونی (متخصص داخلی، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر فاطمه نبوی‌زاده رفسنجانی (فیزیولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران)، دکتر فرشاد فرتیعی (متخصص پوست، دانشگاه علوم پزشکی تهران) و دکتر ماهرو میراحمدیان (ایمونولوژیست، دانشگاه علوم پزشکی تهران) موفق به اخذ چهارمین جایزه جهانی پروفوسور یلدا در بخش «استادان برجسته علوم پزشکی» شدند.■



دوتای از آنها را خیلی دوست داشتیم، یک جور عجیبی به آنها وابسته بودم و دوست‌شان داشتم. تا اینکه یک روز صبح که بیدار شدم و به عادت همیشگی رفتم تا به آنها سر بزنم، دیدم نیستند. تنم یخ کرد از ترس، وقتی رسیدم آشپزخانه دیدم پدرم به‌عمد یا غیر عمد آنها را کشته است. هنوز یادم هست جقدر ناراحت شدم و شوکه شدم، واقعا ضربه روحی خوردم.

الان که به گذشته نگاه میکنم، احساس می‌کنم معنی و مفهوم عشق در دنیای کودکی‌ام کم شد. هنوز بعد از گذشت نزدیک به ۸۰ سال وقتی کیوترها را در آسمان می‌بینم یاد کیوتره‌ای خودم می‌افتم و دلم تنگ می‌شود.)

علیرضای قصه ما ۶ یا ۷ ساله بود که به‌واسطه شغل پدرش مجبور می‌شوند یک سالی در چابهار زندگی کنند. تصاویری از فقر و بیماریه‌های مردم که هنوز در ذهنش حک‌شده است تا داستان خروسی که دوست داشت.

«یک سال که چابهار بودیم، پدرم با بقیه کارمندهایی که برای ماموریت آمده بودند، دوست بود و رفت‌وآمد داشتیم، بیشتر عصرها یک جا جمع می‌شدیم و پدر و مادرا باهم گپی می‌زدند و